

جاودانگی شریعت و ملاک‌های آن

103

محمدحسن قدردان قراملکی

تتمه حقوق

تتمه حقوق

جاودانگی شریعت و ملاک‌های آن

چکیده

اسلام آیین کامل خاتم و جاودانه الهی می‌باشد. در این مقاله نخست این نکته پرداخته شود که نسبت و حمل وصف جاودانگی به اصل و گوهر دین (اعتقادات) به صورت مطلق است یعنی همه آموزه‌های اعتقادی اسلام ثابت و تغییرناپذیر است. اما شریعت و احکام فقهی اسلام اعم از فردی و اجتماعی در اصول ثابت آن جاویدان و غیر قابل تغییر است.

نویسنده برای اثبات جاودانگی شریعت به چهار دلیل ذیل استناد می‌کند:
۱- حقیقیه بودن گزاره‌های دینی؛ ۲- اطلاق ما؛ ۳- آیات؛ ۴- روایات.

ادامه مقاله به تحلیل و تقریر ده ملاک جاودانگی دین و شریعت اختصاص یافته است که می‌توان به هماهنگی با فطرت و عقل، سهولت، دفاع از اصول اخلاقی، عدم مداخله در جزئیات و پویایی شریعت** اشاره کرد.

واژگان کلیدی: دین، شریعت، جاودانگی و ملاک‌های آن، حقیقیه انگاری گزاره‌های دینی، اطلاق مقامی، احکام ثابت و متغیر، فطرت و عقل.

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

** لازم به ذکر است که این ملاک‌ها تحلیلی و استقرایی و قابل افزایش یا تقلیل است، مثلاً با عطف نظر به ملاک فطرت و عقل می‌توان از ذکر سایر ملاک‌ها اجتناب کرد، اما برای توضیح بیش‌تر مدعا به تحلیل ملاک‌های خاص نیز توجه شده است.

آیین مقدس اسلام علاوه بر ادعای خاتمیت، ن جاودانگی نیز است. ادعای خاتمیت با جاودانگی ملازمه‌ای ندارد، زیرا ممکن است خداوند با ارسال آخرین پیامبر خود دفتر نبوت و شریعت را ببندد و طی نمودن ادامه راه را به عقول مردم بسپارد. پس بحث جاودانگی دین و اثبات آن خود مسئله‌ای مهم و از مباحث تکمیلی و ضروری بحث خاتمیت می .

جاودانگی دین

آموزه‌های معرفتی و اعتقادی ادیان به خصوص دین اسلام، قابل نسخ و تغییر نیست؛ این آفریدگار جهان ممکن، خداوند متعالی با صفات کمال خاص است و حکمت و عدالت خداوند مقتضی رستاخیز دیگری است، این که اصول عقلی و وجدانی مقتضی است که انسان در برابر آفریدگار خویش تسلیم و سپاس‌گذار و منقاد باشد، از اصول و پایه‌های ادیان الهی است که به دلیل برگشت آن‌ها به عالم واقعیت، وجود جاودان و ثابتی دارند. به بیان دیگر، گوهر ادیان، تنها به فرض دو طرف، یعنی خدا و انسان، احتیاج دارند و با تحقق آن دو، وجود گوهر ادیان خود به خود پایدار خواهد بود و نمی‌توان آن را لغو و نادیده انگاشت.

حکم شریعت - به معنای احکام فرعی اعم از عبادی، اجتماعی، اقتصادی و جزایی که از آن بتوان به صدف دین تعبیر کرد - می‌تواند از حکم گوهر دین متفاوت باشد. از این رو شرایع پیامبران پیشین با یکدیگر تفاوت‌هایی داشتند. به همین دلیل در قرآن کریم دین در همه جا به صورت مفرد و شریعت به صورت جمع استعمال شده است. چنان که حقیقت و گوهر دین در نزد خداوند، سلام است اما شریعت برای هر قومی مختلف بوده است «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران (۳): ۱۹). «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ»؛ (مائده (۵): ۴۸).

بنابراین جاودانگی معارف و آموزه‌های معرفتی آیین مقدس اسلام از منظر عقل جای ندارد، زیرا عقل به مجرد تصور و مطابقت آن‌ها با وقایع، به جاودانگی و استمرار ابدی آن کرده و در عدم امکان نسخ‌ها آن‌ها تردیدی نمی .

در مسد شریعت، عقل این احتمال را محال نمی‌انگارد که شریعت اسلام مانند شرایع پیشین متغیر و غیر جاودان باشد، از این رو ثبات و جاودانگی شریعت اسلام به دلیل درون دینی نیازمند

ست.

جاودانگی شریعت (کل یا بعض احکام)

گفته شد که از منظر عقلی تغییر گوهر دین محال است، اما تغییر شریعت امری است که در شرایع پیشین نیز واقع شده است. حال این سؤال مطرح است که چرا شریعت اسلام برخلاف شرایع پیشین جاودان و غیر متغیر است. آیا ثبات شریعت چهارده سده پیش به خاتمیت و جاودانگی دین آسیبی وارد نمی‌آید؟ به بیان دیگر، آیا مرور و تکامل زمان هیچ تغییری را در شریعت به وجود نمی‌آورد؟

105

قصه حقوق
تحت حوز

در پاسخ سؤالات بالا نخست به این نکته بفا اشاره می‌کنیم که احکام شریعت به تبع تنوع نیازهای انسان به دو قسم ثابت و متغیر تقسیم می‌شود. شریعت اسلام در برابر نیازهای ثابت انسان یک سری احکام ثابت و جاودان و در برابر نیازهای متغیر و جزئی انسان، احکام متناسب با آن را وضع و تقنین کرده است.

به عنوان مثال، اصل پرستش و کرنش آفریدگار متعال یک نیاز فطری و ثابت انسان است و سلام آن را در شکل‌های مختلف مانند نماز و دعا از انسان خواسته است. هم چنین اصل عدالت، نیکوکاری، حرمت تصرف در مال دیگران، حرمت قتل، و تحریم اضرار به دیگران، از احکام ثابت شریعت محسوب می‌شود.

در مقابل احکام ثابت، احکام متغیر قرار دارد که عمدتاً در احکام اقتصادی و اجتماعی بروز

در واقع تغییر این احکام به تغییر مصداق آن برمی‌گردد؛ مثلاً حرمت بیع خون یا بعضی اعضای بدن - مثل کلیه - در صدر اسلام به دلیل عدم انتفاع محلل از آن بود، اما با پیشرفت علم، این عنوان تبدیل یافته و از خون و کلیه می‌توان انتفاع محلل کرد* که موجب حکم حلیت بیع آن

* . شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «ممنوعیت خون و مدفوع از نظر اسلام اصالت ندارد، آن چه اصالت دارد این است که مبادله باید میان دو شیء مفید به حال بشر صورت گیرد. ممنوعیت امثال خون و مدفوع انسان است که به تن ممنوعیت گردش بیهوده ثروت پوشانیده شده است. ... اما این که خون و مدفوع ثروت شمرده نشود و قابل مبادله نباشد مربوط است به عصر و زمان و درجه تمدن، و با تغییر شرایط و پیشرفت علوم و صنایع و امکان استفاده‌های صحیح و مفیدی از آن ، می‌دهند.» (مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، س ۱ و ۲).

دو می‌گردد. توضیح بیشتر بحث احکام ثابت و متغیر شریعت در مباحث آینده خواهد آمد. بنابراین ثبات و جاودانگی شریعت اسلام به دلیل تعلق آن بر مصالح و مفاسد واقعی است که با حفظ و بقای این مناط نیازی به تغییر پیدا نمی‌شود. ضمن این‌که تغییر بعض احکام آن که با اصل اجتهاد امکان پذیر است، موجب تناسب آن‌ها با مرور زمان و تکامل علم می‌گردد. پس مقصود از جاودانگی اسلام در ناحیه معارف و گوهر دین، استمرار حقانیت اسلام و عدم امکان نسخ آن توسط ادیان است؛ اما در ناحیه شریعت، مقصود جاودانگی کلیات شریعت (مبانی و اصول کلی فقه) است نه به صورت موجه کلیه که شامل همه احکام شریعت باشد. این فهم از جاودانگی شریعت را بزرگانی از فقها و اصولیین مانند شیخ انصاری (فرائدالاصول: ۴۵۷)، آخوند خراسانی (ج:)، (: ۵) و امام خمینی (: ۲) بیان نموده‌اند، چنان‌که شیخ انصاری در تفسیر حدیث «حلال محمد حلال الی یوم القیامة» : «ان الظاهر سوقه لبیان استمرار احکام محمد(ص) نوعاً من قبل الله جل ذکرة الی یوم القیامة فی مقابل نسخها بدین آخر لا بیان استمرار احکامه الشخصية» (فرائدالاصول: ۴۵۷).

ادله جاودانگی شریعت

برای اثبات جاودانگی احکام شریعت می‌توان به ادله ذیل اشاره کرد:

۱- حقیقه بودن گزاره‌های دینی

منطقیون قضایا و گزاره‌ها را به سه قسم ذیل تقسیم می‌کنند:

قضیه خارجی: قضیه‌ای است که موضوع آن در عالم خارج در یکی از زمان‌ها تحقق داشته و حکم نیز بر آن حمل می‌شود؛ مثلاً دانشجویان دانشگاه دانشجویان درس خوان و مؤمن هستند.

قضیه ذهنیه: قضیه‌ای است که موضوع آن نه در عالم خارج بلکه فقط در ذهن تحقق دارد مانند اجتماع نقیضین محال است. سیمرغ پرنده‌ی عظیم‌الجثه است.

قضیه حقیقه: قضیه‌ای است که حکم و محمول آن به طبیعت و نفس الامر موضوع تعلق گرفته است با قطع نظر از این‌که موضوع در گذشته، حال یا در آینده تحقق خواهد یافت. صحت و صدق این نوع قضیه نه با تحقق خارجی یا ذهنی موضوع بلکه با نفس الامر معنا پیدا می‌کند، مثلاً مربع چهار ضلع دارد. انسان حیوان ناطق است. حکم این دو قضیه به نفس امر مربع و انسان تعلق گرفته است و شامل همه نوع مربع‌ها و انسان‌های گذشته، حال و آینده می‌شود. با این توضیح

روشن می‌شود که قوانین و مقررات که در قوه و مقام قانون‌گذاری وضع و تصویب می‌شود، از نوع قضایای حقیقیه است. این نکته مورد اتفاق حقوق‌دانان است.

نکته دیگر این‌که: برخی مقصود از قضیه حقیقیه در شریعت را قضیه کلیه توصیف می‌کنند، گونه‌ای موضوع آن، نه موضوعات خاص و خارجی بلکه مقدرالوجود است.

در هر دو صورت (تحلیل موضوع به طبیعت یا مقدرالوجود) مشخص می‌شود احکام و مقرراتی که در کتاب و سنت از سوی خداوند و پیامبر(ص) به عنوان حکم شریعت وضع و تق

شده است شامل همه مسلمانان اعم از عصر حضور و غیبت است، مثلاً «لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (آل عمران (۱):) نوع قانون‌گذاری از نوع قضیه حقیقیه است که

107

توضیح

توضیح

و جوب حج را برای همه مستطیعان ثابت می‌کند. بر اساس این، اصل و مبنا در قضایا و احکام دینی جاودانگی آن است، مگر این که دلیل و قرینه‌ای بر خلاف آن ثابت شده باشد. دلیل مورد اشاره را جمعی از اصولیین متذکر شده‌اند؛ (بنی، فوائداصول:) .

۲- اطلاق مقامی

اطلاق دو قسم لفظی و مقامی تقسیم می‌شود. در اطلاق لفظی هنگام شک در شمول لفظ واحد بر همه مصادیق آن به اطلاق لفظ آن تمسک می‌شود، مثلاً اگر گفته شود: دانشجویان می‌توانند در اردو شرکت کنند، هنگام شک در شمول یا عدم شمول آن بر ترم اولی‌ها به اطلاق آن تمسک می‌شود.

اما اطلاق مقامی در جایی است که قانون‌گذار در مقام وضع قانون و تعلیم حکمی باشد، مثلاً شرط نمایندگی برای پارلمان را پنج شرط مشخص کند. یا قانونی را از تصویب گذرانده و برای آن اجل و وقتی را معین نکرده است. در این جا به اطلاق مقامی استناد می‌شود و وجود شرط دیگر نفی و اجل و وقت قانون مزبور غیر موقت و دایمی فرض می‌شود.

قوانین شریعت نیز بر چنین مبنایی استوار است. از آن جا که شارع مقدس قوانین شرع خود را به همان انسان‌ها خطاب کرده و برای آن زمان و وقت خاصی را لحاظ ننموده است، با استناد به اطلاق مقامی، دائمیت و جاودانگی آن استظهار و اثبات می‌شود. چنان کفایة :

«فالحکیم تبارک و تعالی ینشأ علی وفق الحکمة والمصلحة طلب شیء قانونا من الموجود و المعدوم

حين الخطاب لیصیر فعليا بعد ما وجد الشرايط و فقد الموانع بلا حاجة الی انشاء آخر»؛ (آخوند

خراسانی، ج ۱: ۳۵۵).

برخی از اندیشمندان اسلامی برای جاودانگی احکام شریعت به قاعده «اشتراک تکلیف» می‌کنند، که آن در حقیقت به دو دلیل پیشین برمی‌گردد، زیرا لازمه حقیقیه بودن گزاره‌های دینی و اطلاق مقامی، اشتراک مسلمانان نسل‌های بعدی با نسل اول و مخاطبان شفاهی وحی آسمانی است، یا مبنای آن ادله خاص است که اشاره خواهد شد () ، ۲۶: و فاضل لنکرانی، (:) .

۳- آیات

برخی از آیات به دلالت نص یا ظاهر بر جاودانگی آیین مقدس اسلام دلالت می‌کنند :
 «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر ۱۵:۹).
 این آیه شریفه بر حفظ و بقای قرآن به صورت مطلق از طرف خداوند و تضمین عدم تحریف آن دلالت می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه می‌گوید :
 « فالآية تدل على كون كتاب الله محفوظا من التحريف بجميع اقسامه من جهة كونه ذكر الله سبحانه فهود ذكر حى خالد» (طباطبایی، ج ۱۲: ۹۷)
 علامه از عنوان وصف «لحافظون»، صیانت قرآن در آینده را استفاده می‌کند () ، همان، ج ۷: ۹۷، زیرا در ادبیات عرب صفت (اسم فاعل) برای دلالت در حال و آینده به کار می‌رود.
 روشن است با اثبات جاودانگی قرآن، سرمدیت اصل شریعت و احکام عملی آن نیز ثابت می‌شود.

«أَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِيُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» (انعام) : ()
 این آیه رسالت پیامبر(ص) را انذار مطلق انسان‌هایی که کلام الهی به آن رسد، ذکر می‌کند.
 علامه طباطبایی در ذیل آن می‌گوید :

« يدل على عموم رسالته(ص) بالقرآن لكل من سمعه منه او سمعه من غيره الى يوم القيامة»؛
 (طباطبایی، همان، ج ۷: ۳۹؛ العناوين: ۲۶)

« وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» ()

(:) .

این آیه صراحت دارد که هیچ‌گونه بطلان و نسخی دامن‌گیر قرآن نخواهد بود. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید:

فالمراد بقوله «من بین یدیه و لا من خلفه» زمان الحال و الاستقبال ای زمان النزول و ما بعده الی یوم القیامة»؛ (طباطبایی، ج ۱۷: ۳۹۷)

۳-۴ «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ».

این آیه به طور صریح دین را - که مراد اسلام است - یک نوع فطرت و خلقت الهی توصیف که با آفرینش انسان در هم آمیخته و چنان با آن عجین شده است که قابل تبدیل و انفکاک نیست. آیه شریفه نه تنها بر جاودانگی اسلام دلالت می‌کند، که در مقام تبیین و تفسیر مبنای علمی آن (همان، ج :) .

109

تذکره

تذکره

جاودانگی شریعت اسلام

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (توبه ۹):

۳۳؛ فتح (۴۸): (۲۸).

این آیه به عینه در سوره فتح و صف تکرار شده و تنها ذیل آن (و لو کره المشرکون) به « بالله شهیدا» تغییر یافته است.

این دو آیه شریفه نه تنها بر جاودانگی اسلام بلکه بر غلبه آن بر تمام ادیان دلالت می‌

مبطل نظریه پلورالیزم دینی است. روایات مختلفی نیز در تفسیر آیه وارد شده است ()

ن، ج : ا ج : و ج :) .

«و ما ارسلناک الا کافه للناس.» (:) .

این آیه به صورت شفاف مخاطبان پیامبر اکرم(ص) را نه معاصران یا انسان‌های چند سده بعد

بلکه همه مردم توصیف می‌کند .

تذکرات

الف. با تأمل در آیات دلت‌کننده بر جاودانگی، روشن می‌شود که این آیات در مقام تأکید بر

جاودانگی دین اسلام و هم‌چنین قرآن مجید است و د صی بر شریعت اسلام ندارد، اما

اطلاق و عموم جاودانگی اصل قرآن و اسلام، بر جاودانگی شریعت به دلالت کل بر جزء (دلالت

تضمنی) نیز دلالت می‌کند، زیرا که بخشی از قرآن و اسلام را شریعت و احکام تشکیل داده است

(بنا به نظر معروف حدود پانصد آیه درباره احکام وارد شده است) که با فرض جاودانگی قرآن

آیات احکام آن نیز جاودان خواهد بود.

ب. آیات مورد اشاره تنها بر جاودانگی قرآن کریم دلالت می‌کنند، اما جاودانگی سنت و سبب و صوص ، از این آیات استظهار نمی‌شود، بلکه برای اثبات جاودانگی سنت علاوه بر خود سنت - که تفصیل آن می‌آید - می‌توان به آیاتی تمسک کرد که به تبعیت و اطاعت از پیامبر(ص) امر می‌کنند :

«وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (: ج :) .

خداوند در این آیه به صراحت به اطاعت از اوامر و دوری از نواهی پیامبر امر می‌شود شامل تکالیف دینی نیز می‌شود که روایاتی نیز بر این امر دلالت می‌کنند (: ج :) ، ابن مسعود، حکم بن عمیر و شافعی این رأی را برگزیده‌اند؛ (: ج :) .

«أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (: ج :) .

این آیه شأن تبیین قرآن که شامل بیان جزئیات احکام می‌شود را به عهده پیامبر(ص) واگذار نموده است. مثلاً اصل نماز در قرآن است اما جزئیات آن از قبیل چگونگی و تعداد رکعات آن را باید پیامبر(ص) تبیین فرماید.

برخی از اندیشمندان اسلامی مانند قرطبی (: ج :) ، همان (: ج :) ، فخر رازی، (ج : و علامه طباطبایی، ج : : ج : ۲۵۹) این آیه را یکی از ادله حجیت سنت نبوی ذکر کرده‌اند. (مصباح یزدی، :) .

۴- روایات

روایات متعدد و متواتری در خصوص جاودانگی آیین مقدس اسلام و عدم نسخ آن و هم استمرار و جاودانگی احکام شریعت از طریق پیامبر(ص) و امامان نقل شده است که در این ی از آن‌ها اشاره می‌شود:

از پیامبر اسلام(ص) توسط امام باقر(ع) نقل شده است که:

«ابها الناس حلالی حلال الی یوم القیامة و حرامی حرام الی یوم القیامة» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۶۰).

همچنین پیامبر(ص) فرموده است:

امت خود اعم از شاهد و غایب و نیز نسل‌های آینده که در ژن‌ها و رحم‌های پدر و مادرشان هستند به صله رحم سفارش می‌کنم؛ «اوصی الشاهد من امتی و الغائب منهم و من فی الاصلاب

الرجال و ارحام النساء ان یصل الرحم»؛ (کلینی، همان، ج ۲: ۱۱۵).

امام علی(ع) در وصف اسلام :

«إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ ... ثُمَّ جَعَلَهُ لَا انْفِصَامَ لِعُرْوَتِهِ وَلَا فَكًّا لِحَلْقَتِهِ وَلَا انْهِدَامَ لِأَسَاسِهِ وَلَا زَوَالَ لِدَعَائِمِهِ وَلَا انْقِلَاعَ لِشَجَرَتِهِ وَلَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِّهِ»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸).

امام باقر(ع) در پاسخ زراره از حلال و حرام الهی فرمود:

«حلال محمد(ص) حلال الی یوم القیامة و حرامه حرام الی یوم القیامة لا یکون غیره و لا یجیء غیره»؛ (کلینی، همان، ج ۱: ۵۸).

امام صادق(ع) درباره قرآن کریم می فرماید:

«لأن الله تبارک و تعالی لم یجعلہ لزمان دون زمان و لا لناس دون ناس فهو فی کل زمان جدید و عند کل قوم نحفی الی یوم القیامة»؛ (مجلسی، همان، ج ۱۷: ۲۱۳).

سماعه از امام صادق(ع) روایت می کند که حضرت فرمود:

«حتى جاء محمد(ص) فجاء بالقرآن و بشریعته و منهاجه فحلاله حلال الی یوم القیامة و حرامه حرام الی یوم القیامة»؛ (کلینی، همان، ج ۲: ۱۷).

ملاک های جاودانگی دین

پیش تر گفته شد که آیین مقدس اسلام علاوه بر ادعای خاتمیت مدعی جاودانگی خود تا قیامت و تاریخ بشری می باشد. دلایل این ادعا به تفصیل گزارش شد. حال این پرسش مطرح است که آیا اسلام دارای ملاکها و پتانسیل جاودانگی را دارد؟ به دیگر سخن پارامترهای جاودانگی دین چیست؟ تا آنگاه به وجود آن در اسلام پرداخته بود؟ ملاک های ذیل در اتصاف دین بن جاودانگی و امکان سیلان آن در شکل های آینده قابل استقرا . تحلیل است:

۱- هماهنگی با فطرت انسانی

طبیعت و به تعبیر قرآنی فطرت انسان به گونه ای آفریده شده است که ذاتاً طالب حقیقت، کمال و رستگاری و بقا است. انسان وجود خود را ناقص و نیازمند می بیند و درصدد وصل به قدرت و غنی مطلق است. هر انسانی می تواند با رجوع به ذات و ضمیر درونی خود ادعان کند که خواستار کمال مطلق و سعادت، بقا و عدم فضای خویش است. انسان از مرگ می هراسد؛ چرا که در ورای آن وجود و بقای خویش را در فنا می .

انسان با کوشش‌ها و زحمات طاقت‌فرسای خود می‌کوشد به خیر و سعادت دست یازد. انسان چون وجود خود را ناقص و مخلوق می‌یابد و برای جهان آفریدگار و وجود کاملی حس می‌کند، درصدد کرنش و پرستش وجود کامل مطلق است.

آیین مقدس اسلام آیین جاویدی است که به این نیازهای فطری انسان توجه داشته و آن‌ها را مع می‌کند. آیین اسلام با تصویر واجب‌الوجود که منشأ فیض، قدرت و هستی عالم امکان از یک سو، و تصویر یک عالم رستاخیز این احساس را به انسان می‌دهد که با مرگ، هستی و حیات انسان قطع نمی‌شود، بلکه زندگانی در حیات دیگر با شکل بهتر از دنیا (البته در صورت نیکوکار و مؤمن بودن) استمرار خواهد داشت. پس دلهره و هراسی نباید از مرگ داشت، انسان می‌تواند با تهذیب نفس به قرب الهی نایل آید و از این طریق غریزه مطلق، کمال و جاویدان‌جویی خویش را اشباع کند.

اسلام با معرفی خداوند متعال به عنوان یگانه آفریدگار و هستی بخش جهان و انسان، حس پرستش و سپاس انسان را به سوی حق راهنمایی می‌کند. برخلاف بعضی ادیان و مکاتب دیگر که با شریک قرار دادن مانند بت‌ها و انسان، مثل حضرت عیسی به عنوان یکی از اقانیم سه گانه مسیحیت، حس پرستش انسان را منحرف نموده و او را اشباع نمی‌کند.

غریزه و فطرت انسان تنها به رستگاری معنوی و ابدی منحصر نشده است. انسان در دنیا طالب خیر و انتفاع بیش‌تر از انواع نعمت‌های دنیوی است. بل غریزه شهوت - است. اسلام با تجویز نعمت‌ها و زینت‌های دنیا و مذمت دنیا‌گریزی و انتخاب زندگانی رهبانی و هم‌چنین تشویق آیین زناشویی، این نیاز انسانی را رفع کرده است.

قرآن کریم ازدواج و تشکیل خانواده را از آیات الهی و مایه تسکین و آرامش نفس ذکر می‌کند و پیامبر اسلام (ص) در روایتی، ازدواج را از سنت‌های خویش می‌شمارد. اسلام در وضع و تقنین دیگر قوانین و مقررات خود اعم از فردی و اجتماعی، اعتقادی و عملی اصل فطرت را لحاظ کرده است، که در مباحث بعدی به آن اشاره خواهد شد. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

«مادر و منبع همه رازها و رمزها، روح منطقی اسلام و وابستگی کامل آن به فطرت و طبیعت انسان و اجتماع و جهان است. اسلام در وضع قوانین و مقررات خود رسماً احترام فطرت و وابستگی خود را با قوانین فطری اعلام نموده است. از این جهت است که به قوانین اسلام امکان جاویدانی بودن داده است»؛ (مطهری، ج ۳: ۱۸۹).

۲- هماهنگی با عقل

قوم انسانیت انسان به قوه عقلانی او است. عقلانیت انسان موجب تفاوت جوهری او مخلوقات از جمله فرشتگان و حیوانات می‌باشد. عقل نعمت الهی در حق انسان است که با اتکا به آن انسان به شناخت جهان هستی، آفریدگار و هم‌چنین اداره زندگانی دنیوی خویش می‌پردازد. آیینی که مدعی جاودانگی است باید با عقلانیت انطباق و هماهنگی داشته باشد و حداقل عقل‌گریز و نه عقل‌ستیز باشد، و گرنه هر دینی با مقابله با عقل اصل وجود خود را از دست خواهد داد.

113

توضیحات

توضیحات

جلودانگی شریعت بلاک‌های آن

به عنوان مثال، آیین یهودی^۱ و مسیحیت تحریف شده و مشتمل بر آموزه‌های خردستیز مانند تجسم خدا در قالب داستان کشتی حضرت یعقوب با خدا (بر پیدایش : -)،^۲ خرید و فروش آموزش مه^۳ مسئله خدا و گناه نخستین^۴ و اتهاماتی به پیامبران است که قلم از درج آن شرم‌منده است؛ (ر.ک: یوحنا، : - ، : - ۳۱؛ سفر خروج، : - ؛ اشموئیل، : و : ، : ۳۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک: فخر اسلام، ج : بشارات عهدین، ص و) .

* . مسیحیان به اقا نیم سه گانه پدر (اقنوم وجود)، ابن (اقنوم علم) و روح القدس (اقنوم حیات)) معتقدند و در عین حال به خدای نامحدود واحد اعتقاد دارند. در عهد جدید آمده است: «لکن ما را یک خداست، یعنی پدر که همه چیز از او است و ما برای او هستیم. و یک خداوند یعنی عیسی مسیح که همه چیز از اوست و ما از او هستیم»؛ (اول قرنتیان ۸: ۶؛ یوحنا ۵: ۲۰)؛ آنان در تصویر و تبیین این آموزه دینی خود با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند. برخی از اندیشمندان مسیحی برای توجیه تثلیث، آن را ما فوق اندیشه بشری توصیف می‌کنند. (پطرس فرجام، ایضاح التعلیم المسیحی، ص ۲۴؛ رابرت ویر، جهان مذهبی ادیان در جهان امروز، ص ۷۳۳). در قرآن نیز به تثلیث به عنوان یکی از تحریفات مسیحیت اشاره شده است: (مانده) : ، ، و ۱۱۶؛ نساء () : () .

** . در آموزه کلیسا، انسان‌هایی که خود را در برابر خداوند گناهکار می‌دانند، با تقدیم مبلغی به کشیش و کلیسا خود را از گناه تطهیر می‌کنند. این آموزه دینی کلیسا از سوی روشن‌فکران مسیحی مانند لوتر مورد اعتراض قرار گرفت؛ (ر.ک: ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ص ۴۲۲؛ مولند اینار، جهان مسیحیت، ص ۳۸)؛ این آموزه یکی از علل ظهور سکولاریسم در جهان مسیحیت شد. برای توضیح بیشتر ر.ک: نگارنده، سکولاریزم در مسیحیت و اسلام، ص .

*** . کلیسا بر این باور بود که گناه و خطای حضرت آدم در بهشت (خوردن از درخت ممنوعه) دامن همه فرزندان او را بالفطره گرفته است و حضرت عیسی با فدا کردن خود کفاره گناهان ما شده است؛ (رومیان، : ۲۰ و ۲۴). این آموزه کلیسا نیز با مخالفت روشن‌فکران مدافع الهیات نو [پروتستان] در آلمان روبه‌رو شد و آن را توهینی به قوانین اساسی منطق و اخلاق تلقی کردند. (ر.ک: آشتیانی، لال‌الدین، تحقیقی در دین مسیح، ص ۳۴۶ و بارپور، ایان، علم و دین، ص) .

اما آیین مقدس اسلام و آخرین کتاب آسمانی که از آفت تحریف مصون مانده نه تنها تعارض و ستیزی با عقل ندارد، بلکه همیار و مشوق آن است. آیات متعددی وجود دارد که مسلمانان را به دعوت و از عدم تعقل

«كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ (بقره () :) «قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ () :) . «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»؛ (انفال () :) .

اسلام در عرصه اعتقادات، تقلید را بر نمی‌تابد و پذیرفتن اصول عقاید را به دلیل و عقل منوط می‌نماید و در عرصه شریعت و فقه نیز عقل عدل قرآن و سنت و از منابع استخراج شریعت محسوب می‌شود. اصولیین از اهتمام دین به عقل به عنوان یکی از منابع فقه به عنوان «ملازمه عقل و شرع» نام می‌رک: شیخ انصاری، مطرح الأنظار: ۲ و همان، فوائد الاصول، ج :) .

۳- اهتمام به علوم

انسان برای استفاده از طبیعت و بهره‌گیری از آن به علوم تجربی مختلف متوسل می‌شود تا برای خود زندگانی راحتی مهیا نماید. ادیان آسمانی برای بقا و جاودانگی خود نباید مخالفتی با این شیوه داشته باشند، زیرا این شیوه خود از طبیعت و سرشت علم جویی بشر نشئت گرفته است. هرگونه مخالفت با علم و منافع معقول آن به مخالفت با طبیعت و سرشت انسان بر خواهد گشت که بالتبع مورد پذیرش انسان قرار نخواهد گرفت. نمونه بارز آن مخالفت کلیسا در قرون وسطی و آغاز دوره رنسانس با علوم تجربی و تکفیر دانشمندان است که موجب افول مسیحیت شد و چه بسیار دانشمندانی که به همین دلیل به مخالفت با مسیحیت رو آوردند. کلیسا در قرون وسطی به شدت به مخالفت و سرکوب دانشمندان و مبتکران و نظریه پردازان علوم تجربی پرداخت و برای این منظور دادگاه‌های ویژه ایجاد «انگیزیسیون» تشکیل داد در آن بنا، به گزارش مورخان، صدها یا هزاران دانشمند به انواع کیفرها محکوم شدند؛ (دورانت، ج ، :) .

گالیله به جرم کشف حرکت زمین به دور خورشید در سال ۱۶۰۰ میلادی محاکمه و محکوم شد. راجر بیکن دانشمند نامی غرب چهارده سال حبس را تحمل کرد و ژان ژاک روسو و کانت از غضب و تهدید کلیسا مصون نماندند (، : ، ۱۰؛ کاسیرر، :) .

اما آیین مقدس اسلام از همان ابتدا مسلمانان را دعوت به فراگیری علوم تجربی مختلف، در کنار فراگیری علوم دینی نمود؛ چنان‌که پیامبر اسلام(ص) در روایت معروف «طلب العلم فريضة على كل مسلم» (کلینی، ج : ۳۰۰) یادگیری علم را یک واجب شمرده است.

هم‌چنین به تشویق پیامبر(ص) زید بن ثابت، زبان عبری یا سریانی - یا هر دو- را فراگرفت (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۲۷) و بعدها نهضت ترجمه در میان مسلمانان رواج یافت و با ترجم کتاب‌های مختلف، مسلمانان با علوم مختلف، از منطق و فلسفه گرفته تا علوم تجربی آشنا شده و خود به تکامل آن پرداختند که ره‌آورد آن پی‌ریزی با شکوه تمدن اسلامی بود که تمدن امروز مغرب زمین مدیون آن است؛ (زرین کوب، همان: فصل سوم).

به آن که اسلام بر خلاف مسیحیت به تشویق فراگیری علوم مختلف و تمجید عالمان پرداخته است و امروز نیز این شیوه برای اسلام که مدعی جاودانگی است، یک اصل بنیادی محسوب می‌شود.

۴- سهولت و سادگی

یکی دیگر از ملاک‌ها و ویژگی‌های آیین جاوید که مدعی فراگیر بودن و جریان داشتن در حق همه انسان‌ها در همه اعصار است، لزوم قابل فهم بودن و سادگی در عرصه اعتقادات و آموزه دینی و دوری از تکالیف طاقت فرسا و زیان آور در عرصه عبادات و احکام فردی و اجتماعی است. اگر دینی در مقوله معرفتی و اعتقادی خود پیام آور آموزه‌های پیچیده و بغرنج و به تعبیری فلسفی محض باشد، تصور آن و در نتیجه تصدیق و ایمان به آن برای مردم مشکل آفرین خواهد بود و از بیت عامه برخوردار نخواهد بود.

آیین یهودیت در نسبت عزیر به عنوان فرزند خداوند و آیین مسیحیت در نسبت عیسی به عنوان خدا یا یکی از خدایان سه گانه (اقانیم ثلاثه) با این مشکل روبه‌رو است که دین‌پژوهان مسیحی مسئله تثلیث را از رموز و معمای دینی خود توصیف می‌کنند که توضیح آن در پاورقی صفحات پیشین گذشت.

اما آیین مقدس اسلام توسط پیامبر اکرم(ص) ابتدا با یک گزاره بسیار ساده یعنی «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» (مسند احمد، بی تا، ج ۳۰: ۴۹۲)، شروع شد و در مراحل بعدی با معرفی خداوند به عنوان آفریدگار انسان و تبیین صفات کمالی او و هم‌چنین آموزه رستاخیز ادامه یافت.

به دلیل سادگی آموزه‌های اسلام بود که در زمانی کوتاه در عصر پیامبر(ص) انسان‌های زیادی به این آیین گرویده و حاضر شدند تا پای جان برای پیشرفت مبانی آن پیش روند. در جریان جنگ‌ها و تصرف شهرها، اسلام با مخالفان با مدارا رفتاری می‌کرد که این عامل خود موجب گرویدن ملل، های دیگر به اسلام می‌شد. گوستاولوبون در این باره می‌گوید:

«زور و شمشیر موجب پیشرفت قرآن نگشت، زیرا رسم اعراب این بود که هر کجا را که فتح می‌کردند، مردم آن‌جا را در دین خود آزاد می‌گذاشتند؛ این که مردم مسیحی از دین خود دست برمی‌داشتند و به دین اسلام می‌گرویدند و زبان عرب را بر زبان مادری خود برمی‌گزیدند، بدان جهت بود که عدل و دادی که از آن عرب‌های فاتح می‌دیدند، مانندش را از زمامداران پیشین خود ندیده بودند». (لوبون، بی تا: ۱۴۱)

خداوند متعال بارها در قرآن کریم تأکید نموده است که اراده‌اش بر جعل آموزه‌ها و احکام آسان و نفی عسر و حرج تعلق گرفته است:

«يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»؛ (بقره) :

«مَا جَعَلَ عَلَيْكُم فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»؛ () :

«يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ»؛ (نساء) :

«مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِنْ حَرَجٍ»؛ (مائده) :

هم‌چنین قرآن کریم تأکید دارد که تکالیف اسلام در حد وسع و قدرت انسان است نه بیش :

«لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»؛ (انعام) :

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» (طلاق) :

پیامبر اسلام(ص) نیز آیین و بعثت خویش را بر سهولت و تسامح استوار می‌داند:

«و لكن بعثتني با الحنيفة السهلة السمحة»؛ (کلینی، ج :) .

فقها نیز با الهام از کتاب و سنت در صدد نظام‌مند کردن فقه براساس سهله و سمحه برآمده و برای آن قواعد خاص لحاظ نموده‌اند. در این باره می‌توان به «قاعده ید»، «اصالة الصحة»، «اصالت اباحه»، «اص» «سوق المسلمین»، «برائت»، «طهارة»، «احتیاط در دم و عرض مسلم» و «اضطرار»، اشاره کرد؛ (نراقی، :) .

۵ - انسجام و استحکام درونی

از ویژگی‌های دین حق و جاوید آن است که آموزه‌های آن متقن و با یکدیگر هماهنگ باشد، گونه‌ای که اولاً: با اجزای دیگر تعارض و ناهمخوانی نداشته و از هرگونه تعارض و ضدیت به دور باشد. ثانیاً: در عرصه‌های مختلف مانند اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همگی مانند اجزای یک ماشین، نقش خود را برای تحقق یک هدف از پیش تعیین شده، ایفا کنند.

خداوند در آیات متعدد به اتقان و استحکام قرآن تأکید می‌کند:

«وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء (۱):)

«كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» (هود (۱):)

117

تتمت حقوق

اتقان آیات قرآن مجید، خود بهترین دلیل بر آسمانی بودن و شایستگی آن برای جاودانگی است. بر خلاف عهد قدیم و جدید که شتمل بر تناقضات مختلف*.

تتمت حقوق

آیین مقدس اسلام غایت و هدف ذاتی از آفرینش انسان و نبوت را تأمین سعادت اخروی می‌داند و چون این سعادت، بدون سعادت و تأمین زندگانی مادی در حد اعتدال، ست، از این رو دین به حیات دنیوی انسان نیز پرداخته و گزاره‌های دینی خود را به گونه‌ای تنظیم نموده است که این دو هدف قابل دسترس باشد.

بر اساس این، نظام‌های مختلف اسلام مانند نظام عبادی، حقوقی، جزایی، اقتصادی و اخلاقی همگی بر محوریت این دو هدف می‌چرخند. اسلام برای تأمین سعادت اخروی انسان برنامه‌ها و راه‌کارهای مختلف نظیر عبادات و احکام کیفری برای گناهکاران اخلاقی در نظر گرفته است. هم‌چنین متذکر شده است که عبادت نباید به گونه‌ای باشد که به ترک دنیا و رهبانیت منجر شود. اسلام هم‌چنین برای سعادت دنیوی انسان راه‌کارهای مختلف مانند تشویق به آبادانی دنیا و استفاده از نعمت‌های دنیوی، عدالت اجتماعی، توزیع و گردش ثروت از طریق مالیات شرعی مثل س، زکات، صدقه، قرض‌الحسنه، و احکام کیفری برای متخلفان در نظر گرفته است.

جلوگاه
شریعت
بلاک‌های آن

*. به عنوان مثال به موارد ذیل اشاره می‌شود: الف) در انجیل متی، سلسله نسب یوسف نجار به یعقوب و در انجیل لوقا به هالی، نسبت داده شده است؛ ب) در انجیل متی، مسیح از نسل سلیمان بن داود و در انجیل لوقا از نسل ناتان بن داود، معرفی شده است؛ ج) در انجیل لوقا، در آیه ششم باب هفتم از اعمال رسولان، مدت اقامت بنی‌اسرائیل در مصر ۴۰۰ سال و در آیه ۱ باب ۳ از رساله پولس به غلاطیان، ۴۳ سال گزارش شده است، در حالی که بنا به اعتراف محققان کتاب مقدس، مدت اقامت اسرائیل ۲۱۵ سال بوده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: فخر اسلام، ج ۲؛ در این کتاب ۱۲۵ تناقض مورد بررسی قرار گرفته است.

وجود چنین احکام مرتبط با یکدیگر از نظام مند بودن دین اسلام حکایت می‌کند. تصویر نظام سیاسی و اقتصادی اسلام در فصل آینده به تفصیل خواهد آمد.

۶ - پاسخ‌گویی به نیازهای معرفتی و فقهی روز (اجتهاد)

در عرصه معرفت و عمل یک سری سؤالات، شبهات و مشکلات برای انسان رخ می‌دهد که از دین کامل و خاتم انتظار می‌رود به گره‌گشایی آن‌ها پردازد و گرنه جاودانگی آن مورد تردید قرار گیرد.

آیین مقدس اسلام در عرصه معرفت و اندیشه با اتکا به عقل و فطرت نیز استفاده از قرآن و روایات، به تفسیر و تبیین جهان هستی و مسایل آن از قبیل اصل مبدأ و معاد پرداخته است.

راه‌کار دیگر اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای جدید، توجه به تربیت و رشد عالمان و متخصصان دین و به رسمیت شناختن تفاسیر آنان است که به اصل «اجتهاد» معروف است. این شیوه در عصر پیامبر(ص) و ائمه اطهار با تشویق قرآن اعمال می‌شد، از مفتیان معروف صحابه می‌توان به معاذ بن جبل م قمری، عبدالله بن عباس م ۱ ق، سلمان فارسی م ن و ابن مسعود م ۳۲ ق اشاره کرد. (جناتی، کیهان اندیشه، شماره ۴۱: ۴۱). پیامبر اسلام(ص) نمایندگان فرهنگی و دینی خود را به منظور پاسخ‌گویی به مخاطبان به سوی سرزمین‌های مختلف و دور گسیل می‌کرد که در این جا می‌توان به مسافرت حضرت علی(ع) و معاذ بن جبل به یمن اشاره کرد. خود ائمه اطهار به بعض یاران خود این اجازه را می‌دادند که به عنوان عالم دین به پاسخ‌گویی شبهات مردم در مقوله اندیشه و فقه پردازند. امام علی(ع) از محتشم بن عباس فرماندار مکه می‌خواهد که پاسخ‌گوی سؤالات و شبهه‌های مردم باشد «أفت المستفتی» (اسدالغابه، ج ۴، ص ۱۹۷).

هم‌چنین امام صادق(ع) از ابان بن تغلب می‌خواهد که در مسجد جلوس کرده و به حل و فصل فتاوی مردم پردازد «اجلس فی المسجد و أفت الناس» (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۹)

امام رضا(ع) جواب سؤال یکی از اصحاب دور از دسترس خود، را به یونس بن عبدالرحمن ارجاع می‌دهد (ج ۱، باب ۱۱، ج ۹). مطابق آیات قرآن (نحل: ۱) و روایات جواب‌گویی به شبهات و سؤالات مردم در عصر غیبت امام معصوم* به خبرگان و متخصصان علوم دینی واگذار شده است تا از این طریق مخاطبان دین خاتم سؤالات و مشکلات

* «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا» (ج ۱، باب ۱، ص ۹).

دینی خود را مرتفع سازند. راه‌کاری که اسلام و به خصوص مذهب تشیع برای تبیین آموزه‌های دینی و پاسخ مسایل علمی در عصر غیبت لحاظ نموده است، به اصل اجتهاد معروف است که توضیح آن در صفحات پیشین گذشت.

نکته قابل توجه این که اجتهاد در هر عصری متناسب آن و رو به تکامل خواهد بود و به تعبیر شهید مطهری، امری نسبی است. وی در تبیین این مطلب :

«علمای حدود هزار سال پیش نظیر شیخ طوسی قطعاً مجتهدان مبرز بوده‌اند و توده مردم به حق از آنان تقلید و پیروی می‌کردند... اما از نظر فقهای عصرهای اخیر، آن نوع بینش و آن طرز تفکر منسوخ است، زیرا بینش‌های نوتر و عمیق‌تر و وسیع‌تر واقع بین‌تر از آن را گرفته است... از این به خوبی می‌توانیم بفهمیم که اجتهاد یک مفهوم «نسبی» و متطور و متکامل است و هر عصری و هر زمانی بینش و درک مخصوصی ایجاب می‌کند.»

119

توضیح

توضیح

این نسبت از دو چیز ناشی می‌شود: قابلیت و استعداد پایان ناپذیر منابع اسلام برای کشف و تحقیق، و دیگر تکامل طبیعی علوم و احکام بشری، و این است راز بزرگ خاتمیت؛ (مطهری، مجموعه آثار، ج :) .

امام خمینی نیز به تکاملی بودن اجتهاد معترف بود و از فقه اسلام به فقه پویا تعبیر می‌کرد و این نکته را متذکر می‌شد که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها برای اداره کشور کافی نیست؛ (امام خمینی، صحیفه نور، ج :) .

در پرتو اصل اجتهاد است که اسلام با مقتضیات زمان و نیازهای نوین منطبق شده و به بن‌بست نمی‌رسد. فقها از طریق اجتهاد به تبیین و حل و فصل مسایل جدید مانند عقد بیمه، تلقیح، تشریح بدن میت، عقیم سازی، احتکار و وضع مالیات می‌پردازند. اجتهاد با تفویض اختیارات ویژه به حاکم دینی قلمرو اختیارات وی در اداره کشور را بسط داده و از بروز معضلات سیاسی و اجتماعی جلوگیری می‌کند، که بحث آن خواهد آمد.

۷- سازگاری دین و دنیا

دین مدعی خاتمیت و جاودانگی باید در عرصه فعل و رفتار فردی و اجتماعی به صورت کامل و صحیح به تبیین امور بپردازد و برای رسیدن به مقصود اصلی یعنی تکامل معنوی آسایش مردم را به مخاطره نیندازد. با نگاهی به آیین مقدس اسلام در می‌یابیم که اسلام نه تنها به ترک دنیا

و زندگانی رهبانی توصیه نمی‌کند، بلکه ضمن نهی از آن به استفاده بهینه از نعمت‌های دنیوی نیز سفارش می‌کند:

«و لا تنس نصیبک من الدنیا»؛ (قصص (۲۸): ۷۷).

در جایی دیگر، قرآن کریم در نقد کسانی که از پیش خود به تحریم نعمت‌ها و زینت‌های معقول دنیا می‌پرداختند،

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»؛ (اعراف (۷): ۳۲).

پیامبر اسلام (ص) نیز با الهام از آیات قرآنی، مؤمنان را از انتخاب زندگانی رهبانی و ترک دنیا برحذر می‌داشت و می‌فرمود:

«همانا خداوند تبارک و تعالی بر ما زندگی رهبانی را توصیه و واجب نکرده است، رهبانیت امت من حضور در میدان جهاد در راه خداست» (۱۴۱۶: ذیل ماده رهب).

به حضرت گزارش شد که شخصی به نام عثمان بن مظعون به ترک دنیا پرداخته و شب و روز خود را با روزه و عبادت می‌گذراند. حضرت از شنیدن این گزارش غضبناک شد چنان‌که نعلین خود را به دست گرفت و با عجله نزد او رفته و خطاب به بی‌فرمود:

«ای عثمان! خداوند مرا برای رهبانیت مبعوث نکرده است، بلکه مرا به سوی یک آیین سهل برانگیخته است، من روزه می‌گیرم، نماز می‌خوانم، در عین حال با همسرم زندگی زناشویی دارم، هرکس فطرت مرا دوست دارد، باید به سنت من ملتزم شود و نکاح از سنت من است» (ج ۱، ص ۱۰۰).

۸ - دفاع از اصول اخلاقی و انسانی

زندگی دنیوی تنها به بُعد مادی و حیوانی منحصر نشده است، بلکه به معنای حقیقی آن شامل اصول اخلاقی و فضیلت می‌شود که تبیین آن به علم اخلاق واگذار شده است. رعایت انصاف، راست‌گویی و راستی، وفا به وعده، کمک به دیگران، عدالت، پاکدامنی و عفت کلام از اصول اخلاقی و ارزشی است که وجدان و عقل انسانی به رعایت آن و هم‌چنین جاودانگی آن اصول

نکته مهم و ظریف در توجه اسلام به اصول مورد اشاره، رعایت جانب اعتدال و دوری از افراط در التزام به بعض اصول اخلاقی و ترک بعض دیگر است. مثلاً اسلام ضمن سفارش به

گذشت و عفو در برابر ظلم و ستم این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که انسان باید بکوشد نه ظالم و نه مظلوم واقع شود قرآن کریم در این باره :
«لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»؛ (بقره) : () .

امام علی (ع) نیز به دشمنی با ظالم و یاری ستم دیده سفارش می‌کند :
«کونوا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً»؛ (نهج البلاغه، نامه) .

قرآن کریم یکی از اهداف نبوت را ایجاد عدالت و مبارزه با حکومت‌های جور و ظالم توصیف می‌کند که تفصیل آن در مباحث آینده خواهد آمد.

121 از این جا تفاوت اسلام و مسیحیت تحریف شده^۱ هم‌پذیری را اجازه می‌دهد، روشن
شود.*

تفاوت

۹- عدم مداخله در جزئیات

تفاوت

امور متغیر و جزئیات بر حسب مرور و گذشت زمان تغییر یافته و احکام متعلق به آن نیز می‌یابد؛ به عنوان مثال، تا چهار قرن پیش، در میدان‌های جنگ، از ابزاری هم‌چون شمشیر و نیزه و اسب و شتر و الاغ و قاطر به کار گرفته می‌شد، اما امروزه این ابزار در این اهداف کاربرد ندارد. از این رو امام صادق(ع) در روایتی بهترین الگوی لباس هر زمان را الگوی همان عصر معرفی کند:
«خیر لباس کل زمان لباس اهل» () (ج :) .

دین مدعی خاتمیت و جاودانگی نباید در امور متغیر و جزئی دخالت داشته و به تعیین نوع خاص آن بپردازد، زیرا امور جزئی با مرور زمان به فراموشی سپرده خواهد شد و لازمه آن وهن آموزه‌های دینی و تضاد دین و علم خواهد بود.

پژوهش‌های
دین‌شناسی
در باره
تفاوت

* در انجیل به پذیرش حکومت‌های ظالم، به بهانه این‌که آنان حاکم و سایه خدا در زمین‌اند، توصیه شده است (ر.ک: انجیل متی، ۵: ۳۸؛ و اکثر نامه‌های پولس به رومیان). وجود چنین آیاتی موجب حمله و گستاخی امثال ماکیاولی به مسیحیت شده است که اصول مسیحیت را بازیچه دست اشخاص طراز و شرور معرفی می‌کند؛ (ر.ک: ج سبابا ، تاریخ نظریات سیاسی، ج ص) .

اما آیین اسلام چنین آموزه‌ای را بر نمی‌تابد. مارسل بوازار در این باره می‌نویسد: «در منطق محکم اسلام، عدالت و رأفت، مقصد اعلاى انسانیت است که برای رسیدن به آن، به کار بستن هر دو با هم توصیه شده و نمی‌توان رأفت بدون عدالت یا عدالت بی‌رأفت را اختیار نمود، و این شیوه با اخلاق مسیحیت تفاوت آشکار دارد، زیرا در دین مسیح، اعمال رأفت از حد اعتدال می‌گذرد و در اجرای عدالت نیز، حسن‌ترحم و گذشت، دخالت می‌کند» (بوازار، :) .

آیین مقدس اسلام با توجه به این نکته ضمن تبیین مبانی و اصول و جهات کلی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی، تبیین جزئیات و شکل‌های خاص را به عقلا و نخبگان جامعه سپرده است، که در این جا به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود: در عرصه نظامی، اسلام به بیان اصل کلی لزوم آمادگی در مقابل دشمن و به وحشت انداختن آن تأکید دارد «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ»؛ (انفال) : (۱). این آیه یک اصل کلی را به مسلمانان می‌آموزد، اما این که نوع دفاع چگونه باید باشد، به زمان و مکان بستگی دارد.

اسلام در موضوع اقتصاد به تبیین اصول کلی مانند اصل مالکیت، مبادله ثروت و مال با ر و امکان انتفاع از مال پرداخته است؛ (بقره) : (۱). در پرتو این اصول امروزه فقها به تجویز انواع قراردادهای و معاملات جدید مثل بیمه، بانکداری و فروش خون پرداخته‌اند.

اسلام در عرصه اجتماع و سیاست چند اصل و مبنای کلی دارد که از جمله آن می‌توان به عدالت اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و لزوم شور و مشورت با مردم در اداره حکومت اشاره کرد، اما درباره ال‌های متلف حکومت از قبیل پارلمانی، جمهوری، انواع مختلف دموکراسی، فدرالی، تفکیک قوا و غیره نظر خاصی نداشته و تعیین آن را به نخبگان هر قوم سپرده است.

علامه طباطبایی درباره شکل حکومت از قبیل حکومت جهانی، منطقه‌ای، ملیتی و فدرالی :

«طرح‌هایی است که در شریعت اسلام دستور مربوط به تعیین یکی از آن‌ها وارد نشده است و حقاً هم نباید وارد شود، زیرا شریعت تنها متضمن مواد ثابت دین است و طرز حکومت با تغییر و تبدل جامعه‌ها بر حسب پیشرفت تمدن قابل تغییر است»؛ (طباطبایی، بی تا: ۸۱ و ۱۱۲)

شهید مطهری نیز در این باره می :

«اسلام هرگز به شکل و صورت و ظاهر زندگی نپرداخته است. تعلیمات اسلامی همه متوجه روح و معنی و راهی است که بشر را به آن هدف‌ها و معانی می‌رساند. اسلام هدف‌ها و معانی اریه طریقه رسیدن به آن هدف‌ها و معانی را در قلمرو خود گرفته و بشر را در غیر این امر آزاد گذاشته است و به این وسیله از هرگونه تصادمی با توسعه تمدن و فرهنگ پرهیز کرده است. در اسلام یک وسیله مادی و یک شکل ظاهری نمی‌توان یافت که جنبه «تقدس» داشته باشد و مسلمان وظیفه خود بداند که آن شکل ظاهر را حفظ نماید»؛ (مطهری، مجموعه آثار، ج ۳: ۱۹۰).

ایشان در ایی دیگر تأکید می‌کند که اسلام در عصرهای مختلف به تبیین اهداف پرداخته و لها، صورت‌ها و ابزارها را به علوم مربوطه سپرده است:

«اسلام با قرار دادن هدف‌ها در قلمرو خود و واگذاشتن شکل‌ها و صورت‌ها و ابزارها در قلمرو علم و فن، از هرگونه تصادمی با توسعه فرهنگ و تمدن پرهیز کرده است... اسلام نه برای کفش و لباس مد خاصی آورده و نه برای ساختمان‌ها سبک و استیل معینی در نظر گرفته و نه برای تولید و توزیع، ابزارهای مخصوصی معین کرده است»؛ (مطهری، همان، ج ۱۹: ۱۱۷).

وی در ادامه به مسئله خط، نوع غذا خوردن، انواع پوشش و نوع زبان اشاره می‌کند و متذکر می‌شود که اسلام در مورد این مسایل نظر خاصی ندارد؛ (همان:) .

۱۰- پویایی و کارآرایی شریعت

ادیان مختلف بر یک سری احکام عملی «بایدها و نبایدها» استوار . که تکالیف و نوع رفتار و فعل انسان متدین را با تعیین احکام پنج‌گانه (واجب، مستحب، حرام، مکروه، مباح) کند و بخش حقوقی دین را تشکیل می‌دهد. در آیین مقدس اسلام این بخش به علم فقه حواله شده است. علم فقه با قدمت بیش از هزار سال، امروزه یکی از گسترده م حقوقی جهان را به خود اختصاص داده است.

فقه اسلام با بهره‌گیری از یک سری اصول و مبانی خاص، خاتمیت و جاودانگی اسلام را در عرصه فعل و رفتار به اثبات می‌رساند که در این جا به برخی از این مبانی و راه‌کارها اشاره می‌شود.

۱-۱-۱- وضع احکام ثابت و متغیر

انسان و زندگی فردی و اجتماعی او از یک سری نیازها و احتیاجات ثابت و متغیر شکل گرفته است، مثلاً نیاز انسان به عدالت، نیکوکاری، نوع دوستی، و نعمت‌های دنیوی، نیاز ثابت و دائمی است، اما نیاز به اسب، شتر، تیرو کمان، اتومبیل، قطار و هواپیما، و سلاح‌های مخصوص، نیازهای موقت و متغیر بوده و به زمان خاص اختصاص دارد.

روشن است که هر دو قسم از نیازها، مقتضی مقررات و قوانین متناسب خود است. آیین مقدس اسلام این نکته ظریف را در شریعت خود لحاظ نموده و قوانین و شرایع ثابت و جاودان خود را برای نیازهای ثابت و دائمی انسان وضع کرده است. ر.ک: طبایی، فراهایی از اسلام: 'و ۷؛ مطهری، به آثار، ج : و ج : ۱۱۸). نیاز انسان به پرستش و عبادت آفریدگار خود نیاز دائمی است که برای تأمین آن یک سری احکام عبادی وضع گردیده است.

اسلام در عرصه‌های دیگر از قبیل سیاست، اجتماع، اقتصاد، و جنگ و صلح، دو قسم احکام ثابت و متغیر دارد. مثلاً در عرصه سیاست، توجه و اهتمام به عدالت و آزادی اجتماعی، توجه به آرای مردم از طریق شورا و مشورت، لحاظ صفات خاص برای حاکم، و در عرصه جنگ و صلح اهتمام به آمادگی کامل و تجهیز نیرو در برابر دشمن، و توصیه به صلح در صورت عدم توطئه دشمن، جزء احکام ثابتی است که اسلام در نظر گرفته است، که تفصیل آن در بحث آینده خواهد آمد.

از احکام متغیر اسلام می‌توان به حرمت بیع خون، حرمت شطرنج، خضاب موی سر و ریش، توصیه و استحباب ورزش اسب سواری و مسابقه تیر و کمان اشاره کرد که امروزه این احکام با تبدل موضوع آن تغییر یافته است؛ انتفاع عقلایی داشتن فروش خون، از آلات قمار خارج شدن شطرنج و عدم انتفاع از اسب سواری و تیر و کمان در میدان‌های جنگ، موجبات تغییر احکام فوق شد؛ (مطهری، همان، ج :) .

یکی دیگر از راه کارهای تغییر موقت حکم شرع، اختیارات ویژه حاکم اسلامی است که در مباحث آینده به آن اشاره خواهد شد.

۲-۱۰- لحاظ مصلحت و مفسدت در وضع احکام

یکی از اصول عقلی و حقوقی این است که قوانین و مقررات باید تابع مصالح و مفاسد متعلقات خود باشد، به این صورت که در وضع مقررات باید مصلحت فرد و اجتماع مورد لحاظ قرار گیرد، در احکام وجوبی و استحبابی، عنصر مصلحت و در احکام تحریمی و کراهتی عنصر مفسدت عامل تعیین کننده باشد.

این نکته عقلی و حقوقی در شریعت اسلام مورد توجه قرار گرفته است. اصل «الأحكام تابعة للمصالح و المفاسد» از اصول مشهور در نزد فقها و اصولیین است. ر.ک: شیخ طوسی، عده‌الاصول، ج ۲: ۷۳۱؛ راوندی، فقه القرآن، ج : حلی، معارج الاصول: ۱؛ آخوند خراسانی، کفایة‌الاصول، ج : و ۲۳۳؛ امام خمینی، تهذیب الاصول، ج : ۱ و الرسائل، ج :). حلی از فقها و متکلمان نامی شیعه با اشاره به امکان تغییر احکام با تغییر مصالح و مفاسد که با تغییر زمان و اختلاف مکلفین ممکن می‌شود، می :

«الأحكام منوطة بالمصالح تتغير بتغير الاوقات و تختلف باختلاف المكلفين» (

المراد:) .

امام رضا (ع) در روایتی در این باره می :

«هر آنچه خداوند تبارک و تعالی آن را حلال نموده، ما بر آن مصلحت بندگان و موجبات بقایشان را یافتیم که از آن مستغنی نمی‌شوند. هم‌چنین ما یافتیم که بندگان نیازی به اشیای حرام ندارند، بلکه آن‌ها موجب فساد گردیده و انسان را به سوی فنا و هلاک سوق می‌دهند» (ج :)

از امام باقر (ع) نیز در این زمینه روایتی گزارش شده است (صدوق، ج :) .

استاد شهید مطهری اصل مورد اشاره را از عوامل جاودانگی اسلام برشمرده و می :

«یکی دیگر از جهاتی که نشانه هماهنگی تعلیمات اسلام با فطرت و طبیعت است و به آن امکان جاوید ماندن می‌دهد، رابطه علی و معلولی احکام اسلامی با مصالح و مفاسد واقعی و درجه بندی احکام از این نظر است. در اسلام اعلام شده که احکام تابع یک سلسله مصالح و مفاسد واقعی است که در یک درجه نمی‌باشند» (مطهری، مجموعه آثار، ج ۳: ۱۹۳).

125

توضیحات

توضیحات

جلو‌نویس
توسعه
بلاک‌های آن

شهید مطهری در جای دیگر نکته ظریفی از اصل تعلق احکام به مصالح استنتاج می‌کند و آن

نفی احکام توصیف دین به ماورای عقل است؛ توصیفی که در بعضی ادیان مانند مسیحیت در

تحلیل اصل تثلیث ذکر می‌شد. ایشان در توضیح این مطلب :

«قوانین اسلامی به اصطلاح امروز در عین این‌که آسمانی است، زمینی است، یعنی بر اساس مصالح و مفاسد موجود در زندگی بشر است؛ به این معنا که جنبه مرموز و صد در صد مخفی و رمزی ندارد که بگوید حکم خدا به این حرف‌ها بستگی ندارد، خدا قانونی وضع کرده و خودش از رمزش آگاه است... در سیستم قانون گذاری اسلام راهی برای عقل باز شده است، آن‌گاه عقل می‌گوید خود اسلام گفته احکام من مافوق عقل نیست و عقلانی است»؛ (مطهری، همان، ج :) .

به دلیل تعلق احکام به مصالح، برخی از عالمان اسلام مدعی ملازمه میان حکم عقل و شرع

شده و بر این اعتقادند که هر حکم عقلی را شرع امضا می : (ر.ک: میرزای قمی، قوانین اصول،

ج ۱: ۳۹۲؛ اصفهانی، محمد حسین، نه‌ایة الداریه، ج ۲: ۱۲۸؛ وحید بهبهانی، فوائد الحائریة:

مکارم شیرازی، ناصر، انوارالأصول، ج ۲: ۵۰۴؛ مظفر، محمدرضا، اصول‌الفقه، ج :) .*

بنابراین سان احکام شریعت اسلام در بیش‌تر موارد با حکم عقل هم‌خوانی دارد و موردی

یافت نمی‌شود که به صورت صریح با حکم عقل ناسازگار و متعارض باشد، بلکه چنان که اشاره

* «فقهای اسلام میان عقل و شرع رابطه ناگسستنی قابل بوده و آن را «قاعده ملازمه» :

العقل حکم بالشرع و کل ما حکم به الشرع حکم به العقل»؛ (مطهری، مجموعه آثار، ج س) .

شد ممکن است عقل به دلیل محدودیتش در زمانی ملاک حکم شرع را درک نکند، که این به معنای جهل به ملاک است و نه تعارض شریعت و عقل.

۳- ۱۰- تقدیم اهم بر مهم

یکی از شاخص‌های تکاملی بودن مله قانون‌گذاری، توجه به تقدیم اهم بر مهم است. در صورت انحصار امر مصلحت یا مفسدت آمیز به یک مورد، در ارتکاب فعل مصلحت و ترک مفسدت تردید نیست، اما در صورت تعارض و تزامم دو امر مصلحت یا مفسدت آمیز قانون‌گذار باید فعل اهم را بر مهم و ترک فعل افسد را بر فاسد مقدم دارد. این اصل عقلایی در شریعت اسلام مورد توجه قرار گرفته است، چنان که از پیامبر (ص) روایت شده است:

«آن جا که دو امر قابل احترام جمع شده و [آنها انجام یکی میسور باشد]، از امر کوچک برای انجام امر مهم‌تر صرف نظر می‌شود» (ابن اثیر، النهایه، ج ۱: ۳۵۹)

در ناحیه ضرر و مفسده نیز آیه ذیل تحریم خمر و قمار را غلبه اثم و مفسده آن دو بر منافعش ذکر می‌کند:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَأَثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِّنْ نَّفْعِهِمَا»؛ (بقره ۲۱۷)

این آیه به صراحت دلیل تحریم خمر و قمار را اصل تقدیم اهم بر مهم ذکر می‌کند، زیرا ارتکاب خمر و قمار هر چند دارای منافع اندک است، اما گناه و آثار سوء آن دو به مراتب از منافعشان بیش‌تر است و از این رو مورد تحریم قرار گرفته است.

اصل مورد اشاره، در امور فردی و اجتماعی جاری می‌شود. فقهای اسلام با اتکا به این قاعده در موارد تزامم منافع فرد و جامعه به سود دومی فتوا داده‌اند که به عنوان مثال می‌توان به تخریب محل سکونت و تجارت افراد به منظور احداث یا توسعه خیابان اشاره کرد.

استاد مطهری با اشاره به این که این اصل از ثمرات اصل پیشین (تعلق احکام به مصالح) است،

«این جهت سبب شده که باب مخصوصی در فقه اسلامی به نام باب «تزامم» «اهم و مهم» باز شود و کار فقها و کارشناسان اسلامی را در موارد برخورد و اجتماع مصالح و مفاسد گوناگون آسان نماید.

اسلام خود اجازه داده است در این گونه موارد، علمای امت درجه اهمیت مصلحت‌ها را با توجه به راهنمایی‌های خود اسلام بسنجند و مصالح مهم‌تر را بر مصالح کم اهمیت ترجیح دهند و خود را از بن بست خارج نمایند» (مطهری، همان، ج :).
وی جواز تشریح بدن میت به منظور تحقیقات و تعلیمات پزشکی را ره آورد قاعده تقدیم اهم بر مهم ذکر می‌ند؛ (همان).

۴- ۱۰- نفی عسر و حرج

مکاتب و ادیان مختلف هر چند برای مؤمنان خود تکالیف و باید و نبایدهایی را عرضه داشته‌اند، اما شرط دین خاتم و عقلانی این است که تکالیف آن طاقت رسا نبوده و موجب عسر و حرج مخاطبان آن نگردد

127

تجدد حقوق

تجدد حقوق

شریعت مقدس اسلام ضمن وضع قوانین و احکام عبادی و اجتماعی، مبنا و محور قانون‌گذاری خود را بر اصل سهولت و نفی عسر و حرج از بندگان قرار داده است. تفصیل این اصل قبلاً

۵- ۱۰- ضرر و ضرار

ضرر و آسیب رساندن به خود یا دیگران به هر شکلی که باشد، عمل قبیح و مذمومی است. یکی از قواعد فقهی شریعت اسلام قاعده «نفی ضرر و ضرار» است که فقها با توسل به آن هرگونه ضرر رساندن مالی، فیزیکی و حیثیتی به خود یا دیگران را تحریم نموده‌اند.
پیامبر اسلام(ص) و امامان(ع) در قضایای مختلف، با توسل به این اصل به قضاوت پرداخته‌اند (حر عاملی، همان، ج ۱۷: ۳۳۳ و نهج البلاغه، نامه).

۶- ۱۰- اختیارات ویژه حاکم دینی

مکاتب و ادیانی که علاوه بر سعادت فردی و اخروی مدعی تأمین سعادت اجتماعی و دنیوی مخاطبان خود هستند، در اداره کشور و حل و فصل مسایل و معضلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی از جهت وضع قانون یا اجرای آن با مشکلات و بن روبه‌رو می‌شوند. حکومت‌های غیر دینی با تفویض اختیارات ویژه برای اشخاص حقیقی یا حقوقی به حل این مشکل پرداخته‌اند.

آیین مقدس اسلام این مشکل را در عصر پیامبر(ص) و امام معصوم(ع) با تفویض اختیارات خاص حل و فصل کرده است. اما در عصر غیبت، اسلام، بنابر نظریه معروف، مامع الشرایط را

مسئول اول حکومت - البته با پذیرش مردم - تعیین نموده است، که او با تسلط بر مبانی دینی و نیر در نظر گرفتن مسایل و مقتضیات زمان به حل مشکلات فردی و اجتماعی دین می‌پردازد. بیم نمودن احکام دین به احکام ثابت (منصوص) و متغیر (غیر منصوص) معتقد است تغییر و تصرف در قسم دوم در عصر غیبت به نواب عام امام عصر (عج) واگذار شده است که ولی فقیه بر حسب مصالح و مقتضیات زمان در آنها تصرف می‌کند و :

«دستورات اولیه (علی کل تقدیر، خارج از دو قسم نخواهد بود، چه بالضروره یا منصوصاتی است که وظیفه عملیه آن بالخصوص معین و حکمش در شریعت مطهره مضبوط است و یا غیر منصوصی است که وظیفه عملیه آن به واسطه عدم اندراج در تحت ضابط خاص و میزان مخصوص غیر معین و به نظر و ترجیح ولی نوعی موکول است.

واضح است که هم‌چنان که قسم اول نه به اختلاف اعصار و امصار قابل تغییر و اختلاف و نه جز تعبد به منصوص شرعی الی قیام الساعة وظیفه و رفتاری در آن متصور تواند بود، همین طور قسم ثانی هم تابع مصالح و مقتضیات اعصار و امصار و به اختلاف آن قابل اختلاف و تغییر است... در عصر غیبت هم به نظر و ترجیحات نواب عام یا کسی که در اقامه وظایف مذکوره عمّن له ولایة لأذن، مأذون باشد، موکول خواهد بود»؛ (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۳۴ و ۱۳۷).

علامه طباطبایی حاکم دینی را مقام صلاحیت‌دار برای وضع مقررات و احکام متغیر در اسلام ذکر نموده و می‌گوید :

«هرگونه مقررات جدیدی که در پیشرفت زندگی اجتماعی جامعه مفید باشد و به صلاح اسلام و مسلمین تمام شود، مربوط به اختیارات والی است و هیچ‌گونه ممنوعیتی در وضع و اجرای آن نیست» (طباطبایی، فراهایی از اسلام: ۷۸).

استاد مطهری اختیارات خاص حاکم دینی را یکی از دلایل جاودانگی اسلام دانسته و می‌گوید :
«یکی از عواملی که کار انطباق اسلام با مقتضیات زمان و به عبارت بهتر با نیازمندی‌های زمان را آسان می‌کند، اختیارات بسیار وسیعی است که خود اسلام به حاکم شرعی داده»؛ (مطهری، ج ۲، ۱۳۶۲: ۶۳).

وی وضع زکات برای اسب توسط امام علی (ع)، طلاق قضایی، تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی و تخریب منازل مسکونی به منظور احداث خیابان را ره‌آورد اصل مورد اشاره ذکر می‌کند (همان: و).

نتیجه گیری

در این مقاله نخست این نکته به دست آمد که جاودانگی اصل دین به معنای آموزه‌های معرفتی و اخلاقی و به تعبیری گوهر دین امر ثابت و جاودان است و به دلیل ثبات نیازهای انسان به دین که از فطرت انسان منبث است، هیچ فرضی در تغییر گوهر دین متصور نیست. اما آموزه‌های فقهی که شامل احکام عبادی، فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌شود، به دو بخش ثابت و متغیر تقسیم می‌شود. مختلف می‌تواند باشد. مصلحت جامعه، فرد، تغییر موضوع، امکان استفاده محلل، کارآمدی و مقاصد شریعت از این علل هستند.

129

فصل حقوق

تحت

نقد
جاودانگی
شریعت
بلاک‌های
آن

نگارنده جاودانگی را در دو مقام (تبیین ادله جاودانگی و مناط‌های آن) مورد بحث قرار داده است. در تبیین ادله چهار دلیل (۱- حقیقیه بودن گزاره‌های دینی ۲- اطلاق مقامی ۳- آیات و روایات) ذکر شده است.

برای تجلیل عقلانی از جاودانگی و روشن نمودن آن و به تعبیری برای توجیه جاودانگی شریعت ده مناط مورد استقراء و تحلیل قرار گرفت. نکته قابل ذکر این که این ده مناط چرایی جاودانگی و سرمدیت آیین مقدس اسلام از چهارده قرن پیش تا رستاخیز را تبیین می‌دین به معنای عام، یعنی آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و احکام فقهی (شریعت) می‌شود، به این معنا که شرط جاودانگی دین دارا بودن مناط‌های جاودانگی در هر سه عرصه فوق می‌باشد. چرا که اگر دین در یک عرصه واجد مناط‌های جاودانه و در عرصه دیگر فاقد آن باشد، به اصل جاودانگی دین آسیب وارد می‌شود.

در این مقاله ثابت شد که اسلام یگانه دینی است که در سه عرصه واجد مناط‌های جاودانگی است.

منابع

قرآن کریم

فارسی

- ۱- حدیدی، جواد، اسلام از دیدگاه ولتر، دانشگاه مشهد.
- ۲- خدوری، مجید و غیره، حقوق در اسلام، تهران، انتشارات اقبال.
- ۳- خسروشاهی، هادی، اسلام دین آینده و جهان، قم، انتشارات نسل جوان.
- ۴- امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد.
- ۵- زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر.
- ۶- محمدحسین، فرازهایی از اسلام.
- ۷- مصباح یزدی، محمدتقی، راهنماشناسی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- ۸- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا.
- ۹- مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.

انگلیسی

- ۱- بوازار، مارسل، اسلام و حقوق بشر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران، شرکت سهامی خاص.
- ۳- روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، غلامحسین زیرکزاده، تهران.
- ۴- کاسیرر، ارنست، فلسفه روشنی، ری.
- ۵- کتاب مقدس، به اهتمام جماعتی مشهور به بریتیش، لندن.
- ۶- لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هاشم حسینی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه.
- ۷- لیر، دامپی، تاریخ علم.

عربی

- ۱- اردبیلی، محمد، جامع الرواة، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۱.

- ۲- اصفہانی، محمدحسین، نہایۃ الدرایۃ، المکتبۃ الطباطبائی، تہران، ج ۱، ۱۰۰.
- ۱- شیخ انصاری، مرتضی، فرائد الأصول، چاپ قدیم.
- مطارح الأنظار، چاپ قدیم.
- ۵- حسینی، میر عبدالفتاح، العناوین، قم، مؤسسۃ النشر الاسلامی، تہران، ج ۱، ۱۰۰.
- لامہ حلّی، کشف المراد، قم، نشر مصطفوی، ۱۰۰.
- ی، معارج الأصول، قم، مؤسسۃ آل البیت، تہران، ج ۱، ۱۰۰.
- آخوند خراسانی، کفایۃ الاصول، انتشارات اسلامیہ، چاپ قدیم.
- امام خمینی، روح اللہ، الرسایل، قم، انتشارات اسماعیلیان، تہران، ج ۱، ۱۰۰.
- تہذیب الأصول.
- ۱۱- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، الأء، تہران، ج ۱، ۱۰۰.
- و
- رسایل الشیعۃ، تہران، مکتبۃ اسلامیۃ، ۱۴۱۰ق.
- ۱۳- فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقھیۃ، مؤسسۃ الکلام، تہران، ج ۱، ۱۰۰.
- ۱۴- فخر اسلام، محمدصادق، انیس الأعلام، تہران، کتاب فروشی مصطفوی، ۱۰۰.
- ۱۵- قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، مؤسسۃ التاریخ العربی، تہران، ج ۱، ۱۰۰ و
- قمی، شیخ عباس، ۱۴۱۶ق، سفینۃ البحار، تہران، دارالأسوہ.
- قمی، ابوالقاسم، قوانین الأصول، ۱۰۰.
- ۱۸- کلینی، محدث، الکافی، تہران، دارالکتب الاسلامیہ، ۱۰۰.
- علامہ مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسۃ الوفا، تہران، ج ۱، ۱۰۰.
- ۲- مکارم شیرازی، اصغر، انوارالأصول، قم، انتشارات نسل جوان، تہران، ج ۱، ۱۰۰.
- ۲۱- نائینی، محمدحسین، اجودالتقریرات، قم، منشورات مصطفوی، ۱۰۰.
- تنبیہ الأئمۃ و تنزیہ الملمۃ، قم، بوستان کتاب، تہران، ج ۱، ۱۰۰.
- فوائد الاصول، تہران، انتشارات جہان آرا، تہران، ج ۱، ۱۰۰.
- ۲۴- نراقی، ملا احمد، عوائد الايام، قم، مکتبۃ، تہران، ج ۱، ۱۰۰.

سفید

132

تہذیب و ثقافت

موضوع

سال اول / زمستان